

مجنون و لیلی

نویسنده: احمد سرای

مترجم: مرجان سادات عربزاده حسینی

سرشناسه	: شوقی، احمد، ۱۸۶۸-۱۹۳۲ م.
عنوان قراردادی	: Shwqi, Ahmad
عنوان و نام پدیدآور	: مجنون لیلی . فارسی
مشخصات نشر	: مجنون و لیلی / نویسنده احمد شوقی؛ مترجم مرجان السادات عرب زاده حسینی.
مشخصات ظاهری	: مشهد: راهیان سبز، ۱۳۹۳.
شابک	: ۱۲۰ ص.
وضعیت فهرست نویسی	: 978-600-183-104-1
یادداشت	: فیا
موضوع	: کتابنامه: ص. ۱۲۸.
شناسه افزودن	: نمایشنامه عربی — قرن ۲۰ م.
رده بندی کنگره	: عرب زاده حسینی، مرجان السادات، ۱۳۶۷ - مترجم
رده بندی دیویی	: PJA۱۳۹۳ ۳۰۳۳ م/و ۴۸۷۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۲۶ ۶۶۱
	: ۵۵ ۸

انتشارات راهیان سبز

مشهد - بلوار کلاهدوز - کلاهدوز ۲۹ - تورج ۱۵ - پلاک ۲۷

تلفن: ۰۵۱۱-۷۲۵۰۶۴ - ۰۵۱۱-۲۶۰۳۸۵

مجنون و لیلی

نویسنده: احمد شوقی

مترجم «مرجان السادات عرب زاده حسینی»

طراحی جلد: زهرا صفی نیا

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

چاپ: هنر

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۳-۱۰۴-۱

حق چاپ برای مولف محفوظ است

فهرست مطالب

۸		دومه مترجم
۱۳		مقدمه
۱۵		فصل اول
۳۷		فصل دوم
۵۱		فصل سوم
۷۷		فصل چهارم
۱۰۷		فصل پنجم
۱۲۸		منابع

بدون شک هر نوع ادبی تاریخچه‌ای دارد که مراحل شکل‌گیری، تکامل و گاه افول آن را نشان می‌دهد. با وجود سابقه‌ی طولانی که پژوهشگران برای نمایش عربی مطرح می‌کنند، باید گفت نمایش به معنای دقیق آن پدیده‌ی تاریخی و محصول یکی دو قرن اخیر است و آنچه پیش از این وجود داشته هم‌چون: نمایشواره‌هایی با موضوع «رستگاری مردگان»، «شفای پادشاه»، «تاج‌گذاری فرعون‌ها»، «آفرینش»، «تعزیه‌های ازیریس» در دوره پیش از اسلام و آثاری با عناوین «راوی‌ها و حکواتی‌ها»، «الاسراج المقلد»، «هزار و یک شب»، «مقامات الحمدانی و حریری»، «روحوضی» و «خیال الظل» و... در دوران پس از ظهور اسلام هرگز رشد، جدیت و استقلال کافی را پیدا نکرده و در سطح کارهایی که جنبه‌ی نمایشی دارند، باقی مانده است (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۶۵: ۳-۱۱).

اکثر محققان بر این باورند که اعراب و رهبران ایرانی با ادبیات نمایشی آشنا نبوده‌اند و منشاء پیدایش و پیشرفت نمایشنامه‌نویسی و تئاتر عربی را ادبیات غرب می‌دانند. در قرن نوزدهم میلادی مسلمانان در کنار هم در سرزمین گسترده‌ی شام که لبنان، اسرائیل و اردن را نیز در بر می‌گرفت، زندگی می‌کردند. نفوذ تدریجی فرهنگ غربی موجب تأسیس مراکز هنری و شکل‌گیری تئاتر مدرن در این کشور شد و اندکی پس از آن نخستین نمایشنامه به سبک و سیاق اروپایی با تأثیرپذیری از نمایشنامه‌نویس فرانسوی مولیر توسط مارون النقّاش، هنرمند سوری به رشته‌ی تحریر در آمد. النقّاش پس از نگارش و اجرای البخیل در سال ۱۸۴۸ میلادی پیایی نمایشنامه‌های ابوالحسن

مغفل و الحسود را به اقتباس از تئاتر فرانسه نوشت و به روی صحنه برد.^۱

در قرن نوزدهم میلادی، گروه تئاتر سوریه به سرپرستی سلیم النقاش ادر ادهی مارون النقاش به قاهره آمد و از سال ۱۸۷۶ میلادی چندین نمایشنامه در شهر قاهره و اسکندریه اجرا کردند. تعداد اندکی از این نمایشنامه‌ها در سطح عالی کارگردانی و بیان ادبی قرار داشت و بیشتر آن از رگونی رزق هنری تهی بود. در سال ۱۹۲۰ میلادی محمود تیمور، احمد شوقی و محمود کامل نمایشنامه‌هایی با مضامین مربوط به زندگی مردم عربی و مسائل عربی - اسلامی مصر نوشتند. آثار این سه نفر با همهی خفایایی که به علت کم‌تجربگی داشت، زبان عربی را برای نگارش نمایش بیشتر از پیش آسان کرده بودند. نمایشنامه‌نویسی با فراز و فرودها و چنان ادامه داشت تا این‌که در سال ۱۹۲۹ نمایشنامه‌ی کلثوم پاترا اثر احمد شوقی نوشته و به نمایش گذارده شد. این نمایشنامه را در مقایسه با آثار قبلی باید سرآغاز تئاتر واقعی و استوار بر اصول فنی در ادبیات عرب تلقی نمود.^۲

احمد شوقی در سال ۱۸۶۸ میلادی و در زمان خدیو اسماعیل در خانواده‌ای که اصالتاً به کردها و عرب‌ها تعلق داشتند در مصر به دنیا آمد. در پانزده سالگی تحصیلات ابتدایی را به اتمام رساند و وارد مدرسه‌ی حقوق شد. سپس در سال ۱۸۸۷ با هزینه‌ی خان‌سرا توفیق برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت و پس از اخذ دانشنامه‌ی حقوق در سال ۱۸۹۱ به مصر بازگشت. در همین سال بود که خدیو توفیق به

^۱ - غنیمت هلال، ۱۳۷۳: ۲۱۷، مندور، ۱۹۷۰: ۴. ستاری، ۱۳۶۷: ۵۱ - ۵۲.

^۲ - ناظرزاده، ۱۳۶۵: ۱۹. ضیف، ۱۹۶۳: ۹ - ۴۲، ۱۷۴ - ۱۸۴. الفاخوری، ۱۳۸۳: ۶۹۰ - ۷۲۶. مندور، ۱۹۷۰: ۴۶ - ۵۸.

دیار حق شتافت و جانشین او، عباس حلمی دوم نیز هم‌چون خدیو پیشین به شوقی توجّه کرده و او را به عنوان شاعر دربار برگزید. در سال ۱۹۱۵ عباس پاشا به علت ارتباطش با ترک‌ها از مقام خود برکنار شد و حسین کامل که به جای او نشست، شوقی را از نظرها انداخت و او را به اسپانیا تبعید کرد. احمد شوقی پس از پایان جنگ جهانی اول در حالی که عقاید سیاسی‌اش کاملاً تغییر کرده بود، به مصر برگشت، ارتباطش را با دربار قطع کرد و در خانه‌ی خود به سرودن شعر پرداخت. در سال ۱۹۲۷ به امیرالشعرا ملقب شد و از این به بعد همه وقت خویش را صرف سرودن شعر و چهار سال پایانی عمرش را صرف نوشتن و نویسی کرد تا این‌که سرانجام در سال ۱۹۳۲ در حالی که بسی پیر و ناتوان بود، وفات یافت.^۲

شوقی پس از سرودن *غزل الشوقیات* و نوشتن رمان‌های «عذراء الهند»، «الادیاس» و «ورنه اس» نگارش مقالات اجتماعی که بعدها با عنوان «اسواق الذهب» جمع‌آوری شد، در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ شش نمایشنامه‌ی *کئوپات*، *مجنون لیلی*، *قمبیز*، *علی بیگ الکبیر*، *عنتره و الست هدی* را به نام و نمایشنامه‌ی *امیرالاندلس* را به نثر در آورد. از حیث فرم و قالب، نمایشنامه‌های شوقی فصل تازه‌ای را در نمایشنامه‌نویسی عربی آغاز کردند. به استثنای *کمدی الست هدی*، سایر نمایشنامه‌ها، او را برای هستند. شوقی را پدر نمایشنامه‌ی منظوم عربی خوانده‌اند زیرا در ادبیات عرب، نخستین کسی است که توسن شعر را رام کرد و در خدمت نمایشنامه در آورد. او موضوع تراژدی‌هایش را از تاریخ گرفت، امّا تاریخ را گاهی با خرافه، گاهی با عشق و گاهی با هر دو آمیخته است. از سوی دیگر در ضمن رخدادهای اصلی نمایشنامه، ورود افراد طفیلی

^۲ - ضیف، ۱۹۶۳: ۱۷۴ - ۱۸۴، الفاخوری، ۱۳۸۳: ۶۹۳ - ۷۲۶، مندور، ۱۹۷۰: ۴۶ - ۵۸.

یا یک سری حوادث بی‌ربط و بی‌اهمیت و یا حوادث ناگهانی که هیچ تمهیدی برای آن‌ها نیندیشیده، نظم نمایشنامه‌های شوقی را به هم ریخته است. شخصیت‌های آثار شوقی سرگردان و بی‌ثبات و یک‌بعدی کم‌عمق هستند و به این خاطر است که بین دو شخصیت قیس و عبله و بیعتی مشابه هم دارند، تفاوت چندانی وجود ندارد. اندیشه و عمل شخصیت‌های نمایشنامه‌های شوقی به اراده‌ی او وابسته است و وی فقط بر تصورات شخصیت‌هایی که شبیه خودش هستند، موفق عمل کرده است. رگه‌های سیاسی آثار شوقی ناشی از وابستگی و ارادت او به دربار عثمانی است. از این رو برخی شعر او را پر از نعره‌های تعصب نژادی تحلیل کرده‌اند. شوقی در عصری پر از حوادث سیاسی می‌زیست و این مساله در آثار او متجلی است. رگه‌های دینی شعر او ناشی از عواطف دینی‌اش نیست که به خاطر ارضای عواطف جماعت اسلامی، عقاید دینی را در اشعارش منعکس کرده است. رنگ محلی، پایبندی به سنت‌های عرب، بیان اعتراض مصر و استبداد پادشاهان و تبعیض جنسیت از جمله مسائلی است که در بیشتر نمایشنامه‌های شوقی نمود می‌یابد. ادوارد حنین معتقد است نمایشنامه‌های شوقی می‌توانند تاریخ منظوم، حماسه، سینما یا هر چیز دیگر را جز نمایشنامه باشند. اما از مسائل فنی که بگذریم، از جهت اخلاقی نمایشنامه‌های شوقی گنجینه‌ای از پسندیده‌ترین ویژگی‌های اخلاقی چون بردباری، صداقت، عفت، عزت نفس، میهن‌دوستی، استقلال طلبی و...^۴ است.

«احمد شوقی در سال ۱۸۹۳ با شیوه‌ای نو و هنرمندانه و با استفاده از شخصیت‌هایی پویا، نمایشنامه‌ای منظوم به اقتباس از داستان مجنون و لیلی به چاپ رسانید و سپس در سال ۱۹۳۲ همان نمایشنامه را با

۴- ضیف، ۱۹۶۳: ۱۷۴-۱۸۴. الفخوری، ۱۳۸۳: ۶۹۳-۷۲۶. مندور، ۱۹۷۰: ۴۶-۵۸.

تصحیح و تجدیدنظر بار دیگر منتشر ساخت و به این داستان فراموش شده جانی تازه بخشید» (غنیمی هلال، ۱۹۷۶: ۹۶-۹۹). از آن-جا که به غیر از غنیمی هلال، پژوهشگران دیگر به نسخه‌ی اوّل مجنون لیلی اشاره نکرده و زمان نگارش آن را حدود سال‌های ۱۹۳۱-۱۹۳۲ عنوان کرده‌اند، می‌توان گفت احتمالاً نسخه‌ی اوّل از بین رفته و یا در دسترس نیست. چنان‌که غنیمی هلال می‌گوید: «در زبان عربی تا قرن نوزدهم میلادی هیچ نوشته‌ای که به اقتباس یا پیروی از دیوان شعر مجنون به نظم یا نثر پدید آمده باشد، به چشم نمی‌خورد. شاید این موضوع آن جهت بوده که ادبیات کهن عرب با دگرگونی و نوآوری چندان شناسایی نداشته و تنها در ادبیات نوین تازی است که نمایشنامه-هایی به سبب یا نظم بر اساس سروده‌های منسوب به مجنون انجام گرفته است» (همان).

از آن‌جا که مجنون لیلی نمایشنامه‌ای است که در زبان عربی براساس داستان عاشقانه‌ی لیلی و مجنون نگارش یافته است، مطالعه‌ی آن رهیافتی به نگرش فرهنگ و ادبیات عرب به داستان لیلی و مجنون در حوزه‌ی نگارش نمایشنامه به ما می‌دهد.

قبل از ورود به ترجمه‌ی متن نمایشنامه، در موردی بزرگوارانی که به نوعی در پیمودن مسیر این پژوهش یاری می‌کند، تقدیر می‌کنم.

اساتید ارجمندم در دانشگاه فردوسی مشهد: سرکار خانم دکتر مریم صالحی‌نیا که همواره تشویق و حمایت فرمودند و جناب آقای دکتر محمدجواد مهدوی که زحمت ویرایش بخشی از کار را بر عهده گرفتند، مهربانم که هر چه دارم را مدیون صبوری و محبت ایشان هستم.